

#### اعمالن شهادت

### سرهنگ «بهروزی» بازداشت شدند

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی فارس از دستگیری عاملان به شهادت رساندن سرهنگ عباس بهروزی خبر داد.سرهنگ محمدی اظهار کرد: عاملان شهادت سرهنگ دوم عباس بهروزی در یک عملیات پلیسی در شهر شیراز دستگیر شدند.وی ادامه داد: متهمان برای تکمیل تحقیقات با هماهنگی دستگاه قضایی در اختیار پلیس آگاهی هستند، علت و انگیزه ترور در دست بررسی است.

#### قاتل خاموش، جان

### راننده کامیون را گرفت

فرمانده انتظامی نیریز گفت: گاز گرفتگی منجر به مرگ راننده یک دستگاه کامیون در محور آباده طشک این شهرستان شد.سرهنگ سیدخالد یوسفی اظهار کرد: با اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر گاز گرفتگی در خودرو، بلافاصله مأموران به همراه دیگر نیروهای امدادی برای بررسی موضوع به محل حادثه اعزام شدند.وی افزود: ماسوران در بررسی‌های اولیه مطلع شدند راننده برای گرم کردن خود، در داخل خودرو پیک‌نیک روشن کرده و بر اثر آن دچار گاز گرفتگی شده و فوت کرده است.

#### دستگیری عامل

### انتشار فراخوان تجمع

### اعتراض آمیز در کوار

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان گفت: عامل انتشار فراخوان تجمع اعتراض به کشته شدن راننده وانت پراید حامل کالای قاچاق در جاده کوار- شیراز توسط پلیس شناسایی و دستگیر شد. سرهنگ کاوس محمدی در گفت‌وگو با پایگاه خبری پلیس، بیان کرد: روز گذشته فراخوانی مبنی بر تجمع اعتراضی در خصوص کشته شدن راننده یک دستگاه وانت پراید حامل کالای قاچاق در جاده کوار- شیراز، در فضای مجازی منتشر شد که شناسایی و دستگیری عامل اصلی به صورت ویژه در دستور کار مأموران قرار گرفت.وی افزود: بر این اساس مأموران انتظامی با انجام اقدامات فنی و تخصصی موفق شدند محل اختفای عامل انتشار فراخوان تجمع در فضای مجازی را در یکی از محله‌های شهرستان کوار شناسایی و در یک عملیات ضربتی و منسجم آن را دستگیر کنند.معاون اجتماعی پلیس فارس با بیان اینکه متهم از قاچاقچیان عمده و کلان کالا و ارز می باشد، تصریح کرد: وی در بازجویی فنی و تخصصی ضمن اظهار ندامت، علت و انگیزه‌اش از انتشار فراخوان، فشار بر مسئولان انتظامی و امنیتی مبنی بر عدم کنترل جاده برای تسهیل تردد قاچاقچیان و ایجاد فشار روانی و همسو کردن احساسات جامعه با خودش عنوان کرد.این مقام انتظامی خاطر نشان کرد: پلیس با همکاری دستگاه قضایی، با کسایتی که قصد تشویش آذهان عمومی در فضای مجازی را داشته باشند به شدت و برابر قانون برخورد خواهد کرد.

### قتل سرایدار مدرسه

## با سلاح سرد

ریس اداره آموزش و پرورش مسجدسلیمان از قتل سرایدار یکی از مدارس این شهرستان خبر داد. جانمراد داوودی گفت: این سرایدار جوان با سلاح سرد در خانه خود در مدرسه به قتل رسیده است.وی گفت: انگیزه این قتل هنوز مشخص نیست و پرونده رسیدگی به این جرم توسط نیروی انتظامی این شهرستان در دست پیگیری است.



مجازات خواست. سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد. وی اتهام آدم‌ربایی و زنای به عنف را نپذیرفت و گفت سرعت خودروها را قبول دارم. متهم جوان در تشریح نحوه سرتقت‌ها گفت: من قبلا در شرکت بزرگ خودرویی کار می‌کردم، به همین خاطر یاد گرفته بودم در خودروها را با پنس جراحی باز کنم. قاضی از وی پرسید پزشکی‌قانونی آزار و اذیت دو زن را تأیید کرده است. در این باره چه می‌گویی؟ اما متهم منکر شد. قضات دادگاه پس از بررسی محتزای پرونده و مدارک و استنادی که از سوی پزشکی‌قانونی ارائه شده بود متهم را به خاطر زنای محصنه، زنای بعنف، سرقت مقرون به آزار و آدم‌ربایی به «اعدام، حبس طولانی مدت و شلاق» محکوم کرد.

# عامل قتل عام اعضای یک خانواده شد



**مرد خشمگین که اعضای خانواده اش را در مهر به رگبار بسته بود دستگیر شد.**

**به گزارش «خبرجنوب» ، اواسط مهرماه سال جاری مردی خشمگین بر سر زمین با اسلحه شکاری اعضای خانواده اش را به‌قتل رساند و متواری**

## حوادث

پنجشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۸ شماره۱۲۳۷

KHABAR-E-JONOUB MORNING NEWSPAPER

شد. سه برادر از اهالی روستای غلام آباد شهرستان مهر در استان فارس به‌همراه همسر و دختر یکی از برادرها برای تعیین قیمت یک قطعه زمین در محل حاضر شده بودند. آنها بر سر قیمت این زمین اختلاف داشتند و از کارشناس رسمی دادگستری برای قیمت‌گذاری دعوت کرده بودند.

کارشناس رأس ساعت در محل حضور یافت و پس از تعیین قیمت سوار بر خودرواش شد و این خانواده را ترک کرد. اما یکی از برادرها که هنوز قانع نشده بود شروع به اعتراض کرد که در گبری بین آنها بالا گرفت. در همین کشمکش‌ها مرد ۴۲ ساله به‌سمت خودرویش رفت و با برداشتن سلاح شکاری دو برادر خود و همسر و برادرزاده‌اش را به قتل رساند و فرار کرد.

روستای غلام آباد یکی از آبادی‌های کم جمعیت در جنوب استان فارس و نزدیک به استان هو مَرگان است که خانوارهای انگشت شمار آن همه با هم نسبت فامیلی دارند.

گزارش این جنایت توسط یکی از اهالی که در نزدیکی محل جنایت شاهد ماجرا بود به پلیس اعلام شد. با حضور مأموران، اجساد دو زن و دو مرد شناسایی و به پزشکی قانونی انتقال یافتند. در تحقیقات اولیه مشخص شد قاتل با مقتولان بر سر یک قطعه زمین اختلاف داشته و به همین خاطر

#### گفت‌وگو با وکیل محمدعلی نجفی

## ابهامات تازه در پرونده نجفی

# ماجرای سه گلوله در سقف محل قتل میترا استاد چیست؟



دیگری به لبه وان خورده است ، یک گلوله به کمد روشویی اصابت کرده و گلوله پنجم در قفسه سینه کشف شده است.

مأموران بررسی صحنه جرم در روز اول، سه‌ اتر گلوله در سقف دیده اند. ما اخیرا فهمیده ایم سقف کاذب بوده است و چون سقف کاذب است و اگر گلوله به آن بخورد، رد می شود. کارشناسان می گویند گلوله هایی که به دیوار خورده، قطعه قطعه شده و قطعاتی از آنها به سقف خورده است. من می گویم به لحاظ شدت اصابت و نوع گلوله ها، باید اینها از سقف کاذب عبور می کرد و وارد فضای بالای سقف می شد. کارشناس یکی از محل های اصابت گلوله ها به سقف را شکافتند ولی چیزی مشاهده نکردند و تلاشی هم برای یافتن گلوله ها در سقف انجام نشد. ضمنا یکی دیگر از گلوله ها به لبه وان حمام خورده و به زیر وان رفته است. می شود گفت این گلوله الان هم زیر وان وجود دارد. شخصاً نظرم این است که گلوله ای که به دست خورده، همین گلوله است. یعنی گلوله به دست خورده و کمانه کرده و سپس به لبه ی وان اصابت کرده. این تفاوت بین دیدگاه هاست که ابهامات پرونده را بیشتر می کند.

**دادگاه قرار است چه زمانی تشکیل شود و آیا طرفین به کارشناسی اخیر اعتراض کرده اند و شما به این بخش از تفاوت بین اظهارنظر کارشناسی و صحنه جرم اعتراض می کنید؟**

من لایحه ای تقدیم دادگاه نموده ام و در آن ابهاماتی را که به نظر می آمد مفصلا اعلام کرده‌ام تا دادگاه رفع ابهام را به کارشناسان ابلاغ کند و کارشناسان درباره سوالات جواب بدهند. مثلا این که گلوله ای که به قفسه سینه اصابت کرده، به خاطر قدرت سلاح باید از آن طرف بدن خارج می شد، چرا خارج نشده است؟ اسلحه و گلوله کالیبر ۹ میلی متری بسیار قدرتمند است اگر به دست خورده و به بدن وارد می شد باید از سمت دیگر بدن خارج می شد ، حال که گلوله در بدن متوقف شده است به دلیل برخورد قلی اش با مانع سخت است که ضربه و قدرتش را کاسته و به همین دلیل نظریه کارشناسان دارای اعتبار علمی نیست.

البته ابهامات مطرح شده در دفاعیه وسیع تر از مواردی ست که گفتم.

**خانواده مرحومه استاد رضایت داده اند و دیگر نمی توانند اعتراضی به چیزی داشته باشند، پس طرف شما جنبه عمومی جرم و دادستان است؟**

بله، طرف مقابل ما مدعی العموم است. اظهارنظر کارشناسان طبق عرف به دادستانی ابلاغ نمی شود. نماینده دادستان محترم در دادگاه حاضر می شود و از کیفرخواست دفاع می کند. هدف نهی تشکیل هیات های کارشناسی رفع ابهامات مطرح شده از سوی دیوان عالی کشور است. یکی از پرسش‌های دیوان عالی کشور این است که اصلا تصویر واضحی از امکان اینکه یک گلوله هم به دست اصابت کند و همان گلوله مجددا به سینه برخورد کند ارائه نشده است اما کارشناسان بجای پاسخ به این سوال بر ابهامات افزوده اند و چون دلیلی برای اثبات نحوه سقوط مرحومه به داخل وان نیافته اند ، تفسیری غیر علمی ارائه داده اند.

**هیات کارشناسی چند عضو تخصصی داشته است؟**

این مورد هم یکی از ایرادات مطرح شده توسط ماست . دادگاه سه کارشناس اسلحه و سه کارشناس پزشکی قانونی تعیین کرد. یکی از کارشناسان اصلا اظهارنظر نکرده است. پنج کارشناس دیگر هم که اظهارنظر کرده اند به شکل جمعی اظهارنظر کرده اند . در حالی که من معتقدم باید کارشناسان بر اساس تخصص خود اظهار نظر کنند. مثلا معلوم نیست چرا کارشناس پزشکی قانونی در مورد مسائل اسلحه شناسی اظهار نظر کرده‌اند و اساسا در نظریه اعلامی بدون تکنیک صلاحیت‌ها و به صورت دسته جمعی یک نظر واحد اعلام و پنج نفر از شناسان فرم ایم او را به امضاء کرده اند که نشان می دهد کارشناسان اسلحه درباره مسائل پزشکی قانونی و کارشناسان پزشکی قانونی درباره اسلحه شناسی اظهار نظر کرده اند.

ابهامات فوق را به صورت مفصل به دادگاه محترم اعلام کرده ام تا در صورت موافقت دستور استعلام از کارشناسان را صادر فرمایند تا نظریه کارشناسی جامع تر و کامل تری فراهم شود. اگر این مسایل مجددا بررسی شود و به سوالات جواب بدهند، ابهامات رفع می شود و زوایای تاریک این پرونده روشن خواهد شد.

## اعتیاد به گاز، دختر جوان را به کام مرگ برد

پسر جوان که دختر مورد علاقه‌اش پس از کشیدن گاز در خودروی او جان باخته بود برای تحقیق و بازجویی به دادسرا احضار شد. ایمان – ۲۰ ساله – که از ناحیه سر و صورت و دست‌ها دچار سوختگی شدید بود به بازپرس پرونده گفت: آوا را از ۴ سال قبل می‌شناختم همسایه دوستم بود اما از حدود یک‌سال قبل کم کم از طریق پیامک و چت با او ارتباط برقرار کردم. بعد از ۷ ماه که او را در کافی شاپ ملاقات کردم متوجه شدم مسلمان نیست. به همین خاطر تلاش کردم او را به دین اسلام بیاورم. اما زمانی که مادرش از این ماجرا با خبر شد گفت دیگر نمی‌خواهم با ایمان رابطه داشته باشی. بعد هم رابطه ما کم شد.

**آن روز چه اتفاقی افتاد؟** من در صرافی کار می‌کنتم. آن روز آوا با من تماس گرفت و گفت می‌خواهم ببینمت. با خودروی پرنشیا سفیدم به محل قرار که خیابان ایران زمین بود رفتم. آوا سوار ماشین شد و راه افتادم. در خیابان نزدیکی یک ثانوایی توقف کردم و او کپسول گاز فندکی را که همراه داشت از کیفش بیرون آورد و شروع کرد به کشیدن گاز. چون هوا بارانی بود شیشه‌ها را بالا داده بودم. بعد از چند لحظه سیگارش را از داخل کیفش در آورد و فندک را روشن کرد که یک دفعه گاز کمی داخل ماشین جمع شده بود متفجر شد. صدای وحشتناکی پیچید و شیشه کابین ترک برداشت و شیشه هم گزگی به کمی سوخت.

**بعد چه اتفاقی افتاد؟** آوا زودتر از ماشین پیاده شد. چون شال سرشش بود فقط کمی از موهایش سوخته بود. یک دفعه روی زمین افتاد. اما من دستم‌هایم آتش گرفته بود با آب جوی آنها را خاموش کردم. به سراغ او رفتم دیدم به سختی نفس می‌کشد. در همین هنگام راننده یک خودروی عبوری سه کمک‌مان آمد و گفت پرستار است. خواستم او را به بیمارستان ببرم اما او به اورژانس زدنگ کرد. بعد از اینکه اورژانس او را به بیمارستان منتقل کرد با پدرم تماس گرفتم و از او خواستم مرا به بیمارستان ببرد. بعد هم شنیدم آوا در بیمارستان جان‌باخته است.

**می‌دانستی آوا کار مصرف می‌کند؟** از دوستانش شنیده بودم اما بعد از مدتی دیگر علنی جلوی من گاز مصرف می‌کرد. حتی خانواده‌اش هم از این ماجرا با خبر بودند و یک بار هم مادرش سرس اینکه چرا آوا گاز کشیدن را ترک نمی‌کند از خانه قهر کرده بود. به دستور بازپرس غلامی از شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران، پسر جوان در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او همچنان ادامه دارد.

پنجشنبه ۱۶ آبان ماه ۱۳۹۸ شماره۱۲۳۷

KHABAR-E-JONOUB MORNING NEWSPAPER

# عامل قتل عام اعضای یک خانواده دستگیر شد

دست به جنایت زده است. متهم شناسایی و تحقیقات برای دستگیری او آغاز شد. در حالی که چند روز از وقوع این جنایت هولناک می‌گذشت مأموران توانستند خودرو و اسلحه بکار رفته در این جنایت خانوادگی را پیدا کنند. با انجام اقدامات گسترده پلیسی مأموران سر نخ هایی از متهم به قتل به دست آورده و توانستند مخفیگاه وی را شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه وی را دستگیر کنند.

■ قاتل خانواده مه‌ری در دام پلیس

سرپرست پلیس آگاهی فارس از دستگیری قاتلی که ۴ نفر از اعضای یک خانواده را در شهرستان مهر کشته بود، خبر داد.

سرهنگ حبیبی سرپرست پلیس آگاهی استان فارس اظهار کرد: در پی وقوع قتل ۴ نفر از اعضای یک خانواده در شهرستان مهر، با اقدامات فنی و تلاش‌های شبانه‌روزی در یک عملیات مشترک پلیس آگاهی استان فارس و فرماندهی انتظامی شهرستان مهر قاتل فراری شناسایی و در یکی از محلات این شهرستان، دستگیر شد.

این مقام انتظامی تصریح کرد: برای بررسی علت و انگیزه قتل، با هماهنگی دستگاه قضایی فرد قاتل در اختیار پلیس قرار گرفته است.

#### اعترافات هولناک پسر نوجوانی که

خانواده‌اش را قتل‌عام کرد؛

## می‌خواستم پدرم را مثل

## «خاشقچی» بکشم

پسر نوجوانی در شهرک شاهدشهر شهریار در اقدامی جنون‌آمیز پدر، برادر و مادرش را با چاقو به قتل رساند.

این جنایت ساعت ۷ و ۴۳ دقیقه شامگاه سوم آبان رخ داد. پسر ۱۸ ساله‌ای با سر و وضع پریشان و دستانی مجروح سراسیمه وارد کلاتری شهرک شاهدشهر شهیرا شد و با صدای بلند تقاضای کمک کرد، وی گفت: تقابلدر از دیوار خانمان به داخل پرید و خانواده‌ام را کشت.

او می‌خواست مرا هم بکشد اما توانستم از دشتش فرار کنم. با این گزارش تکان‌دهنده، مأموران کلاتری بلافاصله به همراه پسر نوجوان به سمت خانه پدری او رفتند و با اجساد پدر، مادر و پسر کوچک‌تر خانواده که به طرز فجیعی با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بودند، مواجه شدند.

اما کارآگاهان بلافاصله این پسر را که «امیرعباس» نام داشت و تنها بازماننده خانواده بود، به عنوان مظنون اصلی تحت بازجویی قرار دادند. وی پس از چند ساعت به قتل پدرش «علی» ۴۵ ساله، مادرش «حبیبه» ۴۴ ساله و «امیرعلی» برادر ۱۳ ساله‌اش با ضربات چاقو اعتراف کرد.

سرهنگ مهدی سرپناه معاونت اجتماعی فرماندهی انتظامی غرب استان تهران گفت: براساس اعترافات این پسر نوجوان، او به خاطر کینه، حسادت، سرخوردگی و تبعیض رفتاری و فرقی که پدر و مادرش بین او و برادر کوچک‌ترش می‌گذاشتند، نقشه این قتل را کشیده بود.

**گفت‌وگو با متهم**

«امیرعلی» که دانش‌آموز سال آخر دبیرستان است، آرام روی صندلی نشسته بود. تصور اینکه این پسر کم‌رو و خجالتی متهم پرونده قتل فیعیج یک خانواده باشد، سخت بود اما او حتی ذره‌ای نسبت به این جنایت ابراز ششمانی نداشت، چنان درباره روز جنایت حرف می‌زد که انگار روایتی آدمکش پیش رویت نشسته است.

**چرا خانواده‌ات را کشتی؟**

آنها مرا دوست نداشتند اما عاشق برادرم بودند. از همه‌شان متنفر بودم.

**پس برای قتل‌شان برنامه داشتی؟**

برای قتل مادر و برادرم نه اما یک سالی بود که درباره کشتن پدرم تحقیق می‌کردم. یک بار خواستم داخل توشاب‌شاک الکل صنعتی بریزم اما ترسیدم زنده بماند. حتی آن موقعی که قتل «خاشقچی» مطرح شد، فکر کردم که او را همان طور بکشم تا اثری از او نماند اما بعد متصرف شدم، حتی یک لباس در زیرزمین گذاشته بودم که تیزی هر چاقویی را که برای قتل او مناسب می‌دیدم، روی آن امتحان می‌کردم تا بالاخره چاقوی مورد نظر را پیدا کردم.

**چرا اینقدر از پدرت متنفر بودی؟** او همیشه به من می‌گفت مت‌خور بی‌خاصیت. هیچ وقت دوستم نداشت.

**چرا مادر و برادرت را کشتی؟** نمی‌خواستم کسی از خانواده‌ام به عنوان شاکی مقابلم باشد.

**شغل پدر و مادرت چه بود؟** پدرم کارگر آهنگری بود و مادرم در شرکتی خصوصی منشی‌گری می‌کرد.

**از روز جنایت بگو؟** ساعت حدود ۴ و نیم بود. پدرم بیرون بود و مادرم به مراسم روضه رفته بود. بهترین فرصت بود، نمی‌توانستم همه را با هم بکشم چون سر و صدا می‌کردم.

به همین خاطر وقتی برادرم را تنها پیدا کردم، بالای ۲۰ ضربه چاقو به او زدم و جسدش را داخل حمام پنهان کردم. بعد منتظر شدم تا پدرم از راه رسید و او را از پشت غافلگیر کردم و با ضربه‌های چاقو کشتم. آن لحظه حس پیروزی داشتم و جسدش را داخل اتاق خواب انداختم. ساعتی بعد هم مادرم آمد که در حاط ، او را هم کشتم. از او متنفر نبودم اما باید تمامش می‌کردم.

**ببینم نبودی؟** راستش بعد از کشتن مادر و برادرم کمی ناراحت بودم اما از کشتن پدرم به هیچ وجه حس بدی نداشتم. او باید می‌مرد.

**از نقشه‌ات کسی خبر داشت؟** نه، من دوست صمیمی ندارم و زیاد در مدرسه هم با کسی گرم نمی‌گرفتم.

**بعده چه کردی؟** برای اینکه زانمود کم کسی دیگر این قتل‌ها را انجام داده، انگشتمان را با همان چاقو بریدم و با سر و وضع به هم ریخته به کلاتری رفتم.

### شکایت زن صیغه‌ای به خاطر

## ازدواج دوباره شوهر

زن جوان وقتی پس از اتمام مدت صیغه نامه‌اش مطلع شد همسرش زن دیگری را به عقد دائم خود درآورده است، با ادعای آنکه پیش‌تر از سوی او مورد تعرض قرار گرفته علیه او شکایت کرد.

ناهد در جلسه محاکمه‌ای که در شعبه سوم دادگاه کیفری برگزار شد به‌عنوان شاکی پرونده عنوان کرد: چند سال قبل مردی به نام پیمان با من آشنا شد و به بهانه اینکه عاشقم شده مرا به محل خلوتی کشاند و به‌من تعرض کرد و بعد از آن هم با تهدید وارداتی کرد که سکوت کنم.پس از آن پیمان که با همسر و فرزندش به دادگاه آمده بود در همان ابتدای جلسه راز بزرگ این پرونده را فاش کرد و گفت: ناهید همسر سابقم بود. او را صیغه کرده بودم. ما چند وقتی با هم در ارتباط بودیم اما ۳ سال پیش دیگر تمایلی به ادامه رابطه با او نداشتم چرا که فاصله طبقاتی ما بسا آنها بسیار زیاد بود و تصمیم گرفتم با زنی ازدواج کنم که سطح ما باشد.از آنجا که پزشکی قانونی به‌دلیل اینکه زمان زیادی از مدت زمان تاریخ تعرض احتمالی گذشته بود نتوانسته بود این موضوع را تأیید کند بعد از پایان اظهارات متهم و شاکی، دادگاه برای صدور رأی وارد شور شد.